

فصلنامه علمی تخصصی فقه و حقوق معاصر

سال هشتم، شماره ۲۰، تابستان ۱۴۰۱، ص ۱۳۶ - ۱۵۴

مبانی اصل صلاحیت جهانی در فقه اسلامی، قانون ایران و افغانستان و کنوانسیون های بین المللی

عبدالباسط انوری^۱

چکیده

به نظر بسیاری تعقیب مجرمان تنها در قالب حاکمیت و قوانین داخلی همان کشور امکان پذیر است که مرتکب جرم و زیان دیده تابعیت همان کشور را داشته باشد و یا هم جرم به طور فیزیکی و عینی در همان کشور به وقوع پیوسته باشد؛ و با وجود این نظریه هم در سال های اخیر نظریه ای پیرامون اصل صلاحیت جهانی ظهور کرد که به کشورها اجازه می دهد که اشخاص را که مرتکب جنایات بین المللی می شوند، به موجب حقوق بین الملل و بدون در نظر داشت از ملیت مرتکب و زیان دیده و یا هم محل وقوع جرم، به کیفر برسانند. این تحقیق با روش تحلیلی و توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه ای در پی شرح مبانی اصل صلاحیت جهانی و بازتاب آن در فقه و قوانین جزایی می باشد. مبانی صلاحیت جهانی عبارت از ضرورت جلوگیری از بی مجازات ماندن مجرمین، اختلال در نظم عمومی کشور محل دستگیری و حفظ نظم عمومی بین المللی می باشد. کشورها نیز بنابر همین مبنا و گسترش گراف جرائم در سطح جهان و اینکه بتواند برای به مجازات رساندن مجرمین که در کشورشان یافت می شود دست باز داشته باشند و بتواند قوانین جزایی خود را نسبت به مجرمین اعمال نمایند این اصل را پذیرفته اند. از سوی دیگر، وجود کنوانسیون های بین المللی برای تقویت مبنا و اساس این اصل نیز برای کشورها کمک می کند تا بتوانند برای به کیفر رساندن مجرمین به این اصل استناد نمایند. هم چنان در فقه بر مبنای دارالحرب و دارالاسلام پذیرفته شده است.

کلید واژگان: مبانی صلاحیت جهانی، کنوانسیون های بین المللی، قوانین موضوعه، فقه.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه بین المللی اهل بیت (ع)، تهران، ایران، پژوهشگر و مدیر اداری لیسه (دبیرستان) راهیان سعادت، ولایت غزنی افغانستان، abdulbasetanwary@gmail.com

مقدمه

یکی از قواعد حاکم بر صلاحیت کیفری در حقوق کیفری بین‌المللی، اصل صلاحیت جهانی می‌باشد. این اصل در حقیقت توسعه صلاحیت دادگاه‌های داخلی یک کشور را برای رسیدگی به جرمی می‌داند که نه در قلمرو کشور رسیدگی‌کننده می‌باشد، نه متهم از تبعه آن است و نه قربانی یا زیان‌دیده و نه هم جرم علیه آن کشور به وقوع پیوسته است؛ و یا هم جرم از جرائم بین‌المللی به شمار می‌رود که نگرانی تمام کشورها را برانگیخته است و آن‌ها می‌توانند بدون هیچ‌کدام از نسبت‌ها، نسبت به محل وقوع جرم، تابعیت مجرم، تابعیت زیان‌دیده و غیره به آن رسیدگی نمایند. به‌منظور جلوگیری از بی مجازات ماندن مجرم، او را تحت تعقیب و مجازات قرار دهد و به‌موجب اصل صلاحیت جهانی یک دولت می‌تواند یا حتی موظف است تا در رابطه با جرائم مهم، قطع نظر از محل وقوع جرم و صرف نظر از تابعیت مجرم یا مجنی علیه، به جرائم رسیدگی نماید و یا اجازه تعقیب مجرمینی را می‌دهد که مرتکب جرائم خاصی شدند و حتی در صورت که دولت فاقد یکی از رابطه‌های سنتی باشد.

و در این تحقیق راجع به تعریف صلاحیت جهانی، ریشه و مبنا صلاحیت جهانی، مصادیق بارز صلاحیت جهانی در قوانین جمهوری اسلامی ایران و افغانستان و نیز در قوانین آمریکا و همچنان از نظر فقه اسلامی که اصل صلاحیت جهانی در کدام جایگاه قرار دارد مورد تحلیل و ارزیابی قرار خواهیم داد.

۱. تعریف اصل صلاحیت جهانی

«اصل صلاحیت جهانی به هر دولت اجازه تعقیب مجرمینی را می‌دهد که جرائم خاصی را مرتکب شده‌اند حتی وقتی که دولت تعقیب‌کننده فاقد یک رابطه سنتی با جرم، مجرم یا مجنی علیه است.»^۱ مطابق این اصل، دولت‌ها حق تعقیب و بازداشت برخی از مجرمین را در داخل کشور خود دارند، بدون در نظر داشت اینکه جرم در کجا واقع شده و

۱ Kenneth, c. Randal, universall jurisdiction under international law, Texas law review, vol. 66.1988.p.785.

مجرم یا قربانی تبعه کدام کشور است. یکی از قدیمی‌ترین این اصل، صلاحیت جهانی ناشی از معاهده^۱ است که به موجب آن یک معاهده را امضا می‌کنند.

اصل صلاحیت جهانی به دو شکل مضیق و موسع در کشورها و دولت‌های مختلف پذیرفته شده است. در شکل مضیق، قوانین بعضی کشورها تنها در صورت محاکم خود را صالح به رسیدگی به جرائم بر اساس اصل صلاحیت جهانی می‌داند که متهم و یا مجرم در آن کشور پناهنده و یا در آن کشور دستگیر شده است.

و در شکل موسع اعمال اصل صلاحیت جهانی به گونه‌ای است که تعقیب مرتکبان برخی جرائم مهم را بدون توجه به این که آیا مرتکب در قلمرو دولت خاصی حضور دارد یا خیر؟ و کشورهایی که این نوع صلاحیت را پذیرفته‌اند اعمال و شرایط آن را معلق به عدم تعقیب متهم از طرف کشور تابعیت وی و یا هم کشور محل ارتکاب جرم دانسته است. ایتالیا و بلژیک از جمله کشورهایی می‌باشند که اصل صلاحیت جهانی را در مفهوم موسع آن پذیرفته‌اند.^۲

ماده ۹ قانون مجازات اسلامی ایران، مصوب سال ۱۳۹۲، بر مبنای اصل صلاحیت جهانی در مفهوم مضیق آن نگاشته شده است. این ماده ابراز می‌دارد که: «مرتکب جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی در هر کشوری یافت شود در همان کشور محاکمه می‌شود، اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌گردد.»

بدین لحاظ، از ماده فوق هویدا و آشکار می‌شود که سه شرط اساسی و مهم برای انجام محاکمه و مجازات متهم در ایران لازم است. اولاً قانون خاص یا عهد بین‌المللی چنین اجازه‌ای را داده باشد. ثانیاً، دستگیری مرتکب در ایران صورت گرفته باشد و ثالثاً، اینکه این عمل بر طبق قوانین ایران جرم و قابل مجازات باشد.^۳

۱ Universal by Theaty.

۲ نگاه کنید به ماده ۷-۵ قانون جزای ایتالیا.

۳ صادقی، میر محمدحسین، دادگاه کیفری بین‌المللی، چاپ نهم، نشر انتشارات دادگستر، سال چاپ (تجدیدنظر شده) بهار ۱۳۹۵، ص ۷۳ - ۷۶.

۲. شرایط اعمال صلاحیت جهانی

صلاحیت جهانی، برای اولین بار در سال ۱۸۰۳م. وارد قانون کیفری اتریش گردید. قانون کیفری اتریش از یک سوی ابداعات و نوآوری‌های را نیز دارد که قطع نظر از جرائم علیه امنیت و اعتبار مالی دولت‌ها، صلاحیت قاضی اتریشی ناظر به همه جرائمی است که در کشور دیگری توسط شخص که تابعیت آن را ندارد صورت گرفته است. با کمی تغییرات این حکم در قانون ۱۸۵۲م. آن کشور دیده می‌شود. این صلاحیت از آن جا جنبه کلی و عامی را به خود می‌گیرد که تمام جرائمی موجود را شامل می‌شود که همه مردم از آن متنفر هستند و قانون کیفری همه کشورها برای آن مجازات را در نظر گرفته است و این قانون جرائم کم اهمیت‌تر را نیز در برمی‌گیرد، مانند کلاهبرداری و خیانت در امانت. بالاخره در سال ۱۹۲۵م. کشور اتریش به دادگاه‌ها صلاحیت جهانی اعطا نمود.^۱

در اواسط قرن ۱۹ میلادی صلاحیت محکمه دستگیری متهم در رویه قضائی انگلستان که به شدت اصل درون مرزی را معتبر می‌شناسد راه می‌یابد. قضیه معروف کرئل که بدین رویه فرصت خودنمایی می‌دهد. کشتی آمریکائی بنام کرئل که ۱۳۵ برده را با مالک خود می‌برد، در دریای آزاد بردگان مالک خود را می‌کشند و چون کشتی به ساحل انگلستان می‌رسد، مسئله استرداد پیش می‌آید. موافقت با درخواست آمریکا و سپردن مقصران به کشوری که هنوز قانون بردگی ۱۸۴۱م. در آن جا وجود دارد، باعث محروم کردن این بردگان از تصمیمات عدالت بود.

در سال ۱۸۸۹م. اصل صلاحیت جهانی نیز به قانون ایتالیا راه یافت و قانون کیفری کشور غیر از جرائم علیه امنیت و اعتبار مالی کشور، به محاکم ایتالیا اجازه داده شد تا به جرائم بیگانگان که علیه بیگانگان در خارج از کشور ایتالیا صورت می‌گیرد رسیدگی نماید. کیفر این جرائم نباید از ۳ سال حبس کمتر باشد. قانون نروژ همچنان در سال ۱۹۰۲م. این صلاحیت را پذیرفت. قانون کیفری روسیه نیز در سال ۱۹۰۳م. قوانین خود را شامل همه جرائمی که بیگانگان در خارج از روسیه مرتکب شده‌اند می‌نماید. قوانین اکثر کشورها اصل صلاحیت قاضی محل دستگیری متهم را به رسمیت شناخته‌اند

۱ حامد، سهیلا، صلاحیت جهانی، انتشارات جهاد دانشگاهی، سال ۱۳۸۴، ص ۱۰.

و از آن پیشتابانی می‌نمایند. جرائم بین‌المللی از جمله راهزنی، خرید و فروش بردگان، خرید و فروش زنان به منظور فحشا، استعمال مواد مخدر یا انفجاری و یا هم گازهای خفه‌کننده به منظور ایجاد خطر. قوانین سال‌های ۱۹۲۵ و ۱۹۲۷ م. اتریش و آلمان نیز صلاحیت جهانی محاکم کیفری خود را به رسمیت شناختند.^۱

۳. ریشه صلاحیت جهانی

سیری بر تاریخ، نشانگر این است که نخستین کارهای که صورت گرفته از سوی کشورها برای ایجاد یک صلاحیت جهانی مربوط به قرن‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی می‌باشد. اگرچه در تاریخ شواهدی زیادی نشانگر مفهومی مانند مفهوم صلاحیت جهانی ملاحظه می‌شود، اما دولت‌ها در قرن ۱۸ تصمیم خویش را برای مجازات دادن دزدان دریایی (در هرکجا یافت شدند)، نشان دادند و اما از لحاظ وضع قانونی مشخصی که صلاحیت جهانی را اشاره داشته باشد، می‌توانیم اولین قانون را در قرن ۱۹ میلادی مشاهده نماییم و قابل ذکر است اگرچه تا چند دهه قبل مقررات داخلی و بین‌المللی اندکی در این زمینه وضع شده بود، اما تا آن وقت واژه بنام صلاحیت جهانی وجود نداشت.^۲

اگر بخواهیم که به ریشه صلاحیت جهانی را بدانیم، باید به ریشه و اساس آن که همانا قضیه لوتوس (Louts) است مراجعه نماییم. در این مسئله صلاحیت جهانی توسط دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در سال ۱۹۲۷ م. مطرح شده است. در قضیه لوتوس این سؤال مطرح بود که آیا دولت ترکیه صلاحیت محکمه ملوانان فرانسوی را به خاطر اشتباه و تخطی در دریا آزاد کرده بودند دارد یا خیر؟ که در این قضیه کشتی فرانسوی با یک کشتی دولت ترکیه تصادف کرده بود که در نتیجه چندین تن از کشتی‌بانان دولت ترکیه کشته شده بود. زمانی که کشتی فرانسوی به یکی از لنگرهای دولت ترکیه اقامت گزید، در این زمان دولت ترکیه کشتی فرانسوی را توقیف داد و یک افسر فرانسوی را به خاطر قتل عمد بازداشت نمود. دولت فرانسه ادعایش این بود که پرچم یک کشور در فراز کشتی او نشان‌دهنده صلاحیت صاحب پرچم

۱ حسینی نژاد، حسینقلی، حقوق کیفری بین‌الملل، چاپ اول، تهران، نشر میزان، تاریخ انتشار بهار ۱۳۷۳، ص ۷۷ - ۷۸.

۲ حامد، سهیلا، صلاحیت جهانی، ص ۱۰.

هست و دولت ترکیه از لحاظ قانونی حق محاکمه اتباع فرانسه را از نظر حقوق بین‌الملل ندارد و نمی‌تواند به حق صلاحیت در حقوق بین‌الملل استناد کند. دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی این ادعای فرانسه را رد کرد و اظهار نمود که اگر فرانسه اعمال صلاحیت توسط ترکیه را تخطی از قوانین بازدارنده حقوق بین‌المللی بداند، تمام مسئولیت بر عهده خود او خواهد بود.

در یکی از معروف‌ترین بندهای رأی، دیوان ابراز می‌دارد: «نمی‌توان محدودیتی برای استقلال کشور فرض کرد و حقوق بین‌الملل حق تشخیص صلاحیت را از سوی دولت‌ها پذیرفته است که فقط در بعضی از قضایای مشخص توسط قوانین بازدارنده محدود می‌شود.»^۱

همچنین دیوان می‌گوید: «جدای از تأثیر یک ممنوعیت کلی مبتنی بر اینکه دولت‌ها کاربرد حقوق خود و صلاحیت دادگاه‌هایشان را نسبت به اشخاص، دارایی‌ها و یا اعمال خارج از قلمروشان تسری ندهند، این موضوع صلاحیت فوق‌العاده زیادی برای آن‌ها فراهم می‌آورد که این صلاحیت فقط در پرونده‌هایی خاص و قوانینی مشخص، محدود می‌شود. در خصوص سایر پرونده‌ها، هر دولتی آزاد است اصولی را اتخاذ کند که در نظرش بهترین و مناسب‌ترین هستند.»^۲

کاربرد قاعده ناشی از قضیه لوتوس می‌تواند به این معنا باشد که دولت‌های مستقل برای ایجاد یک رژیم صلاحیت جهانی که برای اتباع دولت عضو و غیر عضو قابل اجرا باشد، آزادند، مگر اینکه ثابت شود که این رژیم از قوانین بازدارنده حقوق بین‌الملل تخطی داشته است.^۳

^۱ Ibid, P.366

^۲ Zhenhua Li, "Universal Jurisdiction Under International Law," Essays On International Law, Forty- Fifth Anniversary Commemorative Volume, 2001, P.175

^۳ حامد، سهیلا، صلاحیت جهانی، پیشین، ص ۳۶ - ۳۷.

۴. مبانی اصل صلاحیت جهانی

برای صلاحیت جهانی نیز همانند سایر صلاحیت‌ها مبناهای را ذکر کرده‌اند. یکی از این مبانی ضرورت جلوگیری از بی مجازات ماندن مجرمین است، دیگری نیز نظم عمومی کشور محل دستگیری است و سومی اش نظم عمومی بین‌المللی است که در ذیل به هر کدام از این مبانی به‌طور فشرده بحث خواهد شد.

۴-۱. ضرورت جلوگیری از بی مجازات ماندن مجرمین

یکی از اهداف حقوق جزای بین‌الملل جلوگیری از این است که مجرم در جامعه بی مجازات نماند و به خاطر همین اصل صلاحیت جهانی و قوانین کیفری میان دولت‌ها مطرح شد. درعین حال در حقوق جزای بین‌الملل به خاطر جلوگیری از اینکه مجرم بی مجازات نماند و مواردی را می‌توان اشاره کرد که مجرمین در آن قابل تعقیب و مجازات نمی‌بود و برایشان یک فرصت بود که از زیر بار مجازات فرار نمایند. به‌عنوان مثال اگر عده‌ای از دزدان دریایی که تابعیت هیچ‌یک از کشورها را ندارند و در آب‌های آزاد به یک کشتی که متعلق به کشور ترکیه است حمله نمایند و تمام افراد و اشخاص آن را به قتل برسانند و اموالشان را به سرقت ببرند و پس از آن به طرف کشور فرانسه پناهنده شوند، از یک‌جهت کشور فرانسه صلاحیت تعقیب و مجازات کردن مجرمین را ندارد، به این دلیل که نه جرم در قلمرو کشور فرانسه به وقوع پیوسته است و نه متهمین و نه افراد و اشخاص که به آن ضرر وارد شده از جمله افراد کشور فرانسه نیست و جرم نیز علیه منافع دولت اش رخ نداده است. به همین خاطر اعمال هیچ‌یک از صلاحیت‌های سرزمینی، شخصی، صلاحیت مبتنی بر تابعیت زیان‌دیده و صلاحیت واقعی برای او وجود ندارد؛ و از طرف هم امکان تقاضا دولت ترکیه از دولت فرانسه رد شود به خاطر استرداد مجرمین. اینجاست که هیچ‌کدام از دولت‌ها حق تعقیب و مجازات این نوع مجرمین را ندارد و حقوق بین‌الملل نیز به هدف خود نمی‌رسد. از یک طرف بی مجازات ماندن مجرم یک نوع رسوایی را در میان دولت‌ها و افراد آن به بار می‌آورد و هیچ‌کدام از مجرمین ترس و هراس از دولت‌ها درزمینهٔ ارتکاب جرم‌های سنگین ندارند. در این

زمان بود که به خاطر رفع کردن این نقصان بزرگ در میان دولت‌ها اصل به نام صلاحیت جهانی به وجود آمد که برای دولت دستگیر کننده حق این را می‌دهد که مجرم را دستگیر، تعقیب و مجازات نماید.^۱

۲-۴. اختلال در نظم عمومی کشور محل دستگیری

وقتی که جرم‌های که شامل اصل صلاحیت جهانی هستند در قلمرو سرزمینی واقع می‌شود و آن کشور به هر دلیلی نمی‌تواند به آن جرم رسیدگی و اعمال حاکمیت نماید و یا هم کشور متبوع متهم و یا قربانی امکان رسیدگی را به آن ندارد در اینجاست که مسئله اصل صلاحیت جهانی مطرح می‌شود.^۲ چنانچه قبلاً یادآور شدیم که اصل صلاحیت جهانی در ابتدا در ایتالیا ایجاد شد. در آن زمان یعنی قرون وسطی به این توافق رسیده بودند که بعضی از جرائم مهم را در همان محل دستگیری متهم باید قابل مجازات باشد و بعضی از جرائم در محل وقوع آن جرم. چون زمان که یک مجرم، جرمی را در یک کشور مرتکب می‌شود و بعد از آن به کشوری دیگری فرار می‌کند خود نفس و بودن مجرم در آن کشور روح و روان افراد آن را دچار آسیب روانی می‌کند.

مردم با دیدن اینکه مجرم در کشورشان آزاد و بدون کدام هراس زندگی می‌نماید احساس ترس و ناامنی از جان خود می‌کنند و از یک سو مجرم با دیدن اینکه دولت علیه او کدام کاری را انجام داده نمی‌تواند احساس خوشبختی می‌نماید و برای ارتکاب جرم‌های بعدی نیز قوی و قوی‌تر شده و امکان ارتکاب جرم‌های بعدی نیز از او بعید نیست؛ بنابراین باید به قاضی محل دستگیری صلاحیت دستگیری متهم داده شود بدون توجه به اینکه محل وقوع جرم کشوری دیگری بوده است تا به پرونده مجرم رسیدگی نماید و اگر چنین نشود نفس بودن مجرم در آن جامعه یک نوع اختلال و

۱ مومنی، مهدی، مبانی حقوق جزای بین‌الملل ایران، چاپ هفتم، ویرایش سوم، تاریخ چاپ ۱۳۹۰، ناشر موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ص ۲۳۹ - ۲۴۱.

۲ حامد، سهیلا، صلاحیت جهانی، ص ۳۶.

نابسامانی را در آن جامعه به وجود می‌آورد^۱ و دادن صلاحیت به قاضی محل دستگیری کننده ناتوانی دستگاه عدالت را نیز جبران خواهد نمود.

۳-۴. نظم عمومی بین‌المللی

سنگینی و شدت یک جرم سبب می‌شود تا یک جرم مورد پیگرد قرار بگیرد، به خاطر اینکه گاهی این جرائم آن قدر خطرناک و فجیع هستند که برای بشریت و جامعه بین‌الملل ایجاد آسیب و خطر می‌نماید و هر کشور به عنوان نماینده بشریت، خود را ملزم و مکلف به مجازات مجرم می‌داند. مثلاً دزدان دریایی دشمنان همه بشر به حساب می‌آیند. دلیل این سخن هم این است که دزدان دریایی بدون هیچ نوع تبعیض علیه آن کشتی هجوم می‌بارند و بدون توجه به اینکه این کشتی متعلق به کدام کشوری است و افراد آن تابعیت کدام کشوری را دارد. به همین لحاظ است که این‌ها را دشمن همه بشریت می‌نامند و دیگر جرائم بین‌المللی نیز به همین روش است.

بدین لحاظ است که با ارتکاب جرم‌های سنگینی و خشونت‌ها دیگری را که مجرمین مرتکب می‌شوند، نه تنها نظم عمومی یک کشور که جرم در آنجا واقع شده است مختل می‌سازد، بلکه نظم عمومی بین‌المللی را از بین می‌برد و به همین خاطر دولت‌ها به خاطر از بین بردن این نوع مجرمین دست‌به‌هم داده تا علیه ایشان به مقابله بالا شوند و دولت‌ها در میان خود یک نوع معاهدات را علیه ایشان به امضا رسانیده است و آن‌ها را دشمن مشترک خویش خوانده است. «این وظیفه کلیه ممالک است که با همکاری و معاضدت علیه دشمن مشترک خود جبهه گرفته و تمام مساعی خود را در مبارزه با آن به کاربندند.»^۲ و مجازات دادن مجرم به خاطر این نیست که به مجنی علیه ضرر و زیان رسانیده است و یا به یک کشور

۱ حسینی نژاد، حسینقلی، حقوق کیفری بین‌الملل، ص ۱۵۶.

۲ شهباز میر میرانی، حقوق جزای بین‌الملل، مهنامه قضایی، شماره ۵، بهار ۱۳۴۹، ص ۵۵.

خاصی، به خاطر این است که او به همه بشریت آسیب و زیان رسانیده است و متهم تمام دادگاه‌های جهان محسوب می‌شود و تمام قضات کشورها حق مجازات دادن او را دارند.^۱

۵. صلاحیت جهانی در کنوانسیون‌های بین‌المللی

کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز بالای اصل صلاحیت جهانی تمرکز کرده و مجرمین که به کشورها و به اتباع یکی از دول متعرض می‌شوند آن‌ها را مجرمین خطرناک دانسته و وظیفه همه کشورها دانسته تا علیه آن‌ها اقدام نمایند.

۵-۱. کنوانسیون ژنو

کنوانسیون اول: بهبود سرنوشت مجروحان و بیماران نیروهای مسلح هنگان اردو کشی؛ ماده ۴۹ این کنوانسیون مقرر می‌دارد: «دول متعاقد، تعهد می‌نمایند که کلیه اقدامات قضائی لازم را برای تعیین مجازات مرتکبین یا آمرین هر یک از تخلفات عمده از این قرارداد را که در ماده بعد ذکر شده است، به عمل آورند.»

هر دولت متعاقد مکلف است که کسانی را که متهم به ارتکاب، یا آمر به ارتکاب هر یک از تخلفات عمده باشند، جستجو و آن‌ها را از هر ملیتی که باشند تسلیم محاکم خود نماید. همچنین می‌تواند در صورتی که مایل باشد، آن‌ها را بر طبق شرایط مقرر در قوانین خود برای دادرسی به یک کشور دیگر که علاقه‌مند به تعقیب آن‌ها باشد، تسلیم نماید، مشروط به اینکه آن کشور متعاقد دلایل و امارات کافی علیه آن اشخاص جمع‌آوری کرده باشد.^۲

۵-۲. کنوانسیون مقابله با تصرف غیرقانونی هواپیما

مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۷۰م. لاهه اشاره نمود که با پذیرش اصل «یا محاکمه کن یا استرداد»، اعمال صلاحیت جهانی را به دولت‌های عضو توصیه می‌نماید.

۱ حسینی نژاد، حسینی، حقوق کیفری بین‌الملل، ص ۱۱۶ و پور بافرانی، حسن، حقوق جزای بین‌الملل، نشر انتشارات جنگل، جاودانه، نوبت چاپ سیزدهم،

سال چاپ ۱۳۹۹، صص ۱۶۶ - ۱۶۹.

۲ حامد، سهیلا، صلاحیت جهانی، ص ۴۷

بند ۲ ماده ۴ کنوانسیون فوق‌الذکر مقرر می‌نماید: «در موردی که مظنون به ارتکاب جرم در قلمرو یک دولت متعاقد یافت می‌شود و این دولت طبق ماده ۸ او را به هیچ‌یک از دول موضوع‌بند یک این ماده مستند نمی‌نماید و اقدامات لازم را برای کسب صلاحیت رسیدگی به این جرم معمول خواهد نمود.»^۱

۳-۵. کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر

مصوب ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸ وین در بعضی از موارد اجازه اعمال صلاحیت جهانی را می‌دهد.

شق ب از بند ۱ ماده ۴ بیان می‌دارد: «به اقدامات لازم برای احراز صلاحیت قضائی خود نسبت به جرائم موضوع‌بند ۱ ماده ۳ توسل خواهد جست، به شرط آنکه:

اولاً: جرم توسط یکی از اتباع آن و یا شخصی ارتکاب شده باشد که محل سکونت عادی او در قلمرو آن کشور قرار داشته باشد.

ثانیاً: جرم بر روی عرشه کشتی‌ای ارتکاب یافته باشد که در رابطه با آن، عضو مزبور مجاز به اتخاذ اقدام مقتضی طبق ماده ۱۷ بوده، مشروط بر اینکه چنین صلاحیتی فقط بر مبنای موافقت‌ها و ترتیبات مذکور در بندهای ۴ و ۹ آن ماده اعمال گردیده باشد.»^۲

۶. اصل صلاحیت جهانی در قوانین افغانستان و ایران

اصل صلاحیت جهانی نیز در تمام کشور پذیرفته‌شده و در صورت که دیگر صلاحیت‌ها حق رسیدگی به آن جرائم را نداشته باشند فرصت برای این اصل پیدا شده و به‌عنوان یکی از اصول که در تمام کشورها به رسمیت پذیرفته‌شده حق رسیدگی به جرائم را دارد.

۱-۶. اصل صلاحیت جهانی در حقوق موضوعه ایران

تا قبل از تصویب قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ اصل صلاحیت جهانی وارد سیستم حقوق ایران نشده بود. برای اولین بار در سال ۱۳۵۲ این اصل در ایران مطرح گردید.^۱ به موجب بند «و» ماده ۳ قانون مجازات عمومی اصل صلاحیت جهانی مورد پذیرش قرار گرفت. بر اساس این بند: در مورد جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهد بین‌المللی، مرتکب در هر کشور که به دست آید باید محاکمه شود. اگر مرتکب در ایران دستگیر شود، طبق قوانین ایران محاکمه و مجازات می‌شود.

قانون‌گذار ایران پس از انقلاب اسلامی نیز در بند «ه» ماده ۳ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ اصل صلاحیت جهانی را مورد پذیرش قرارداد. در این بند مقرر شده بود: در مورد جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهد بین‌المللی، مرتکب در هر کشور که به دست آید محاکمه می‌شود. اگر در ایران دستگیر شد طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات خواهد شد.

با تأمل در نحوه نوشتاری بند «ه» ماده ۳ قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ این نکته آشکار می‌گردد که نحوه نگارش مقنن پس از پیروزی انقلاب اسلامی نسبت به اصل صلاحیت جهانی با قبل تفاوت دارد.

توضیح آنکه در عبارت الزامی بند «و» ماده ۳ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ ش. «در مورد جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهد بین‌المللی، مرتکب در هر کشوری که به دست آید باید محاکمه شود. بدین نحو تغییر یافت

«در مورد جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهد بین‌المللی مرتکب در هر کشوری که به دست آید محاکمه شود...» کلمه «باید» از قانون حذف شد. این امر قرینه آن است که مقنن صلاحیت جهانی را به طور مطلق قبول ندارد. این

۱ پروفیسور کلود لومبوا، حقوق جزای بین‌الملل، ترجمه علی آزمایش، ۱۳۶۸، جزوه درسی کارشناسی ارشد، ص ۱۰۹.

استنباط هنگامی مهر تائید می‌خورد که با مراجعه به آرای فقهی دریافتیم، فقهای شیعه اعمال صلاحیت غیرمسلمان را در مورد مسلمین نمی‌پذیرند. بلکه به صورت نسبی و مشروط پذیرفته شده است.

و در ماده ۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ش. اصل صلاحیت جهانی را پذیرفته است و چنین ابراز می‌دارد: «مرتکب جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی در هر کشوری یافت شود در همان کشور محاکمه می‌شود، اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌گردد».

۶-۲. صلاحیت جهانی در کود جزا افغانستان

قانون جزا افغانستان نیز اصل صلاحیت جهانی را در ماده ۲۶ کود جزا پذیرفته است و ابراز می‌دارد: «جرائمی که مطابق اسناد بین‌المللی جرم شناخته شده باشد، مرتکب آن در صورت یافت شدن در افغانستان مطابق احکام قوانین کشور مورد تعقیب عدلی قرار داده می‌شود، مشروط بر اینکه این‌گونه اعمال در این قانون جرم شناخته شده و بر آن مجازات معین و سایر صلاحیت‌های سرزمینی، شخصی یا ذاتی قابل تطبیق نباشد.

جرائمی که مطابق اسناد بین‌المللی جرم شناخته شده باشد، مرتکب آن در صورت یافت شدن در افغانستان مطابق احکام قوانین کشور مورد تعقیب عدلی قرار داده می‌شود، مشروط بر اینکه این‌گونه اعمال در این قانون جرم شناخته شده و بر آن مجازات معین و سایر صلاحیت‌های سرزمینی، شخصی یا ذاتی قابل تطبیق باشد.

ماده ۲۶ کود جزا به اصل صلاحیت جهانی اشاره می‌کند. مصداق بارز این‌گونه جرائم، نسل‌کشی، جنایات ضد بشری، جرائم جنگی و تجاوز علیه دولت است که در مواد ۳۳۲ تا ۳۴۳ کود جزا جرم دانسته شده و برای آن‌ها مجازات پیش‌بینی شده است. مبنای جرم‌انگاری جرائم مذکور، حفظ صلح، امنیت و اصل صلاحیت جهانی است.

بنابراین بر طبق این اصل، هر تبعه افغانستان یا خارجی که مرتکب این جرائم شود و سپس مرتکب در افغانستان یافت شود، بر طبق مواد مذکور کود جزا و بر مبنای اصل صلاحیت جهانی، محاکمه و مجازات می‌شود.

۷. اصل صلاحیت جهانی در فقه اسلامی

اصل صلاحیت جهانی به شکل که در حقوق بین‌الملل عرفی ذکر گردیده است، مورد بحث فقها قرار نگرفته است. با توجه به اصل صلاحیت جهانی که تمام دولت‌ها حق رسیدگی به برخی از جرائم را دارند. دلیل و برهان این امر، پذیرش و قبول متقابل دولت‌ها در برابر یکدیگر است. به همین لحاظ فقه اسلامی اعمال صلاحیت قضائی و کیفری را در دو شیوه مورد بررسی قرار می‌دهند که همانا دارالحرب و دارالاسلام است.

۷-۱. فقهاء اهل سنت

الف. مذهب حنفی

از دیدگاه ابوحنیفه رئیس مذهب حنفی و ابویوسف به درون مرزی بودن مقررات جزائی اسلام به‌طور مطلق عقیده‌مند هستند. از نظر اینان سرایت قواعد جزائی اسلام به خارج از مرزهای سرزمین اسلام مورد پذیرش قرار نگرفته است. هنگامی که یک فرد خارج از سرزمین اسلامی و یا هم در دریاها یا آزاد جرمی را مرتکب شود، یا این شخص مسلمان باشد، ذمی و یا هم کافر حربی، قوانین جزایی اسلام بالایشان تطبیق نمی‌شود. به‌طور خلاصه از دیده گاه مذهب حنفی جرائم که در خارج از مرزهای اسلامی توسط هرکسی که اعم از تبعه دولت اسلامی یا غیراسلامی باشد محاکم اسلامی حق صلاحیت رسیدگی را ندارد.

ب. جمهور فقهای اهل سنت

صلاحیت بیرون مرزی و مقررات جزائی اسلام از دید جمهور فقها مورد قبول واقع شده است، اما بحثی، در رابطه با اعمال قانونی و قضائی که امروزه در حقوق بین‌الملل عرفی بنام اصل صلاحیت جهانی مطرح است صورت نگرفته است. با توجه به آراء و نظریات ایشان که تمام جرائم ارتكابی که از سوی شخص مسلمان و یا ذمی اگرچه در خارج از سرزمین اسلامی ارتكاب یافته باشد، از صلاحیت محاکم اسلامی است که مورد رسیدگی قرار بگیرد. همچنان برای ذمی (مستأمن) و کافر حربی در دارالحرب صلاحیتی برای محاکم اسلامی قائل نشده‌اند؛ بنابراین اعمال صلاحیت جهانی در

نزد جمهور فقها نیز مورد پذیرش قرار نگرفته است. تنها در بعضی جرائم که از سوی اهل ذمه رخ می‌دهد برای محاکم مذهبی خودشان واگذار کرده است، و این جرائم را از جمله مقررات و یا قراردادهای بین‌المللی قرارداد.

۲-۷. فقهای امامیه

صلاحیت بیرون مرزی قواعد جزائی اسلام، از دیدگاه فقه امامیه، تمام جرائم ارتكابی از سوی شخص مسلم و یا ذمی را در برمی‌گیرد، به خاطر که قدرت اعمال صلاحیت و امکان اعمال صلاحیت هنگام محاکمه بشمار می‌رود، نه زمان ارتكاب جرم. حتی در صورت رسیدگی به متهم توسط دارالحرب، مورد تعقیب مجدد در کشور اسلامی قرار می‌گیرد. چون یکی از شرایط قاضی پرونده، اسلام تعیین شده است و این شرط از قاعده «حرمت تولى كفار و دشمنان دین اسلام» نشئت گرفته است و تحت سلطه و سرپرستی کفار رفتن و یا هم پناه دادن به آن‌ها ممنوع اعلام گردیده است.

اهمیت این سخن به حدی است که به‌عنوان گناه کبیره از نظر اختلال در جامعه اسلامی بیان شده است و در قرآن کریم در مورد دوستی با دشمنان دین و قبول کردن ولایت کفار از تمام گناهان شدیدتر است. خداوند متعال می‌فرماید:

« وَ مَنْ يَتَّوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛^۱»

هرکسی از شما جامعه مسلمین، کفار را به ولایت و سرپرستی بپذیرد، از زمره کفار محسوب می‌شود».

از دیدگاه فقه امامیه زمانی که جرم در صلاحیت و قلمرو حکومت اسلامی واقع می‌شود، محاکم دارالحرب حق رسیدگی به آن را ندارد و در میان مجازات اسلامی در مورد تعزیرات، بعضی از تعزیرات اصطلاح شرعی ندارند، بلکه آن را از جمله احکام سلطانیه یاد می‌کنند و از طرف ولی امر برای نظم امور جامعه تعیین می‌گردد. از جمله حقوق الله محسوب نمی‌گردند و بر همین اساس می‌توان حکم غیابی بر آن صادر کرد. قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ش. نیز این امر را پذیرفته است، به طوری که اعمال مقررات تخفیف، تشدید و تعلیق اجرای مجازات را در این مورد اجازه داده است. به

نظر می‌رسد می‌توان این قبیل جرائم داخل در صلاحیت محاکم اسلامی را در قالب عهدنامه‌های بین‌دولت‌های دارالحرب، مشمول اصل صلاحیت جهانی قرارداد.

در کل از دید فقه اسلامی انعقاد قراردادهای بین‌المللی در موردهای مختلف مورد پذیرش واقع شده است. بعضی از این قراردادها دارای عناوین خاص در فقه می‌باشند که می‌توان آن‌ها را به‌عنوان قراردادهای بین‌المللی معین یاد کنیم مانند قراردادهای ذمه و امان خواهی و دسته‌ای دارای عناوین خاص در فقه اسلامی نیستند، یعنی قراردادها و پیمان‌های بین‌المللی نامعین که در تاریخ اسلام بی‌سابقه هستند، اما با در نظر گرفتن قواعد عمومی قراردادها از نظر فقه اسلامی برای طرف قرارداد لازم الاجراء می‌باشد. دلیل این سخن قاعده وفای به عهد و یا هم قاعده لزوم عقود می‌باشد و آیات متعددی در این زمینه در قرآن کریم وجود دارد؛ از جمله آیه:

﴿إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ...﴾^۱

مگر کسانی (از منافقان) که به قومی پیوسته‌اند که میان شما و آن قوم پیمانی است، یا (کسانی که) نزد شما می‌آیند در حالی که سینه‌هاشان از جنگ با شما یا قوم خودشان به تنگ آمده است (و اصلاً حال جنگ با هیچ طرفی را ندارند و این بی‌حوصلگی آنها لطف خداست).

همین طور سیره نبوی و احادیث از جمله ملزم دانستن پیامبر (صلی الله علیه وسلم) خود را نسبت به پیمان حلف الفضول تأیید کننده تعمیم اعتبار و مشروعیت قراردادهای بین‌المللی است و از لحاظ دیگری به اینکه قراردادها برخاسته از نیازهای اجتماعی جامعه است، قراردادهای متعارف از نظر اسلام مورد تأیید قرار گرفته و شریعت اسلامی در آن کدام مانع ندارد. و سیره عملی مسلمین و علما در طول تاریخ نشانگر این بوده است که همیشه وقت به قواعد متعارف عرفی پایند بوده و تنها نهی که شارع مقدس به طور مطلق ذکر کرده است مانع قرارداد می‌گردد و شریعت اسلامی از قراردادها نامعین

نهی نفرموده است. به استناد به آیه شریفه: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا»^۱ و جرائم که مشمول تعزیرات و حق حکومت اسلامی است و از سوی ولی امر صادر می‌شود می‌تواند حق تخفیف و عفو آن‌ها را داده و حتی می‌تواند عنوان مجرمانه نیز از آن برطرف کند و بر همین اساس این دسته جرائم سلطانیه را در قالب قراردادهای بین‌المللی زیر اصل صلاحیت جهانی قرارداد و هرگاه یکی از افراد دولت اسلامی در خارج از مرزهای اسلامی جرمی را ارتکاب شد و در همان‌جا به مجازات خود رسید دیگر نمی‌توان متهم را دوباره مجازات کرد و بعضی از جرائم اهل ذمه که ضرر به جامعه اسلامی نرساند مانند قذف، ذمی توسط ذمی، می‌تواند به قضات خود مراجعه کند و رسیدگی نمایند و در صورتی که توسط محاکم خودشان به جرم ارتکابی‌شان رسیدگی شود دیگر به محاکم اسلامی حق رسیدگی به آن جرائم داده نمی‌شود.

نکته‌ای که در اخیر ذکر نمائیم این است که در فقه امامیه آب‌های آزاد جهان و نقاطی که متعلق به هیچ‌یک از دولت‌ها نباشد در حکم دارالاسلام محسوب شده و جرائم ارتکابی از ناحیه هر شخص که باشد محاکم اسلامی به آن رسیدگی خواهد کرد.^۲

نتیجه

در این تحقیق که در باره مبانی اصل صلاحیت جهانی صورت گرفته است به این نتیجه می‌رسیم که این اصل میان دولت‌ها، کنوانسیون‌های بین‌المللی و حتی در فقه اسلامی به‌عنوان دارالحرب و دارالاسلام پذیرفته شده است؛ به این دلیل که از این طریق کشورها بتوانند به منظور حفظ آرامش شهروندان خود، جلوی مجرمین خطرناک که در قلمرو کشور های دیگر گشت و گذار می‌کنند، بگیرند.

۱ ﴿الإسراء: ۳۴﴾

۲ مومنی، مهدی مبانی حقوق جزای بین‌الملل ایران، ص ۲۴۱.

همچنین در سطح بین الملل، اکثر کشورها به منظور ثبات و نظم عمومی بین المللی نسبت به مجرمین سایر کشورها حساسیت داشته و در معاهدات بین المللی، این مسأله را جرم انگاری کرده و کشورها در این باره با یکدیگر همکاری دارند.

در فقه اسلامی این اصل پذیرفته شده است و به عنوان یکی از مبانی اصل صلاحیت جهانی محسوب می شود. اصل صلاحیت جهانی در فقه اسلامی به شکل که امروزه در جهان مطرح است، پذیرفته نشده است، بلکه به شکل دارالحرب و دارالاسلام مورد پذیرش فقهای اسلامی قرار گرفته است.

منابع

الف. کتاب ها

۱. حسینی نژاد، حسینقلی، حقوق کیفری بین الملل، چاپ اول، نشر میزان، تهران، تاریخ انتشار بهار ۱۳۷۳.
۲. مومنی، مهدی، مبانی حقوق جزای بین الملل ایران، ناشر موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، چاپ هفتم، ویرایش سوم، تاریخ چاپ ۱۳۹۰.
۳. خالقی، علی، جستارهایی از حقوق جزای بین الملل، ناشر موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، نوبت چاپ اول، تاریخ چاپ ۱۳۸۸.
۴. صادقی، میر محمدحسین، دادگاه کیفری بین المللی، چاپ نهم، نشر انتشارات دادگستر، سال چاپ (تجدیدنظر شده) بهار ۱۳۹۵.
۵. پور بافرانی، حسن، حقوق جزای بین الملل، نشر انتشارات جنگل، جاودانه، نوبت چاپ سیزدهم، سال چاپ ۱۳۹۹.
۶. شفائی، محمدخان، مطالعه تطبیقی صلاحیت کیفری فرا سرزمینی در حقوق افغانستان و ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه بین المللی اهل بیت (ع)، سال ۱۳۹۹.
۷. حامد، سهیلا، صلاحیت جهانی، انتشارات جهاد دانشگاهی، سال ۱۳۸۴.

۸. داداش زاده، علیرضا و جواد حبیبی، بررسی و تحلیل اصل صلاحیت جهانی قوانین کیفری، فصلنامه

فقه و مبانی حقوق، سال چهارم، شماره ۱۲.

۹. رستمی، سینا، بررسی حدود اعمال اصل صلاحیت جهانی در نظام حقوقی ایران، فصلنامه داخلی

قانون وکلای دادگستری، زمستان ۱۳۹۸، شماره ۱۹.

۱۰. فروغی، فضل‌الله، مطالعه تطبیقی اصل صلاحیت جهانی در حقوق کیفری آلمان و آمریکا،

فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷.

ب. قوانین

۱۱. قانون مجازات اسلامی ایران، مصوب سال ۱۳۹۲

۱۲. کود جزای افغانستان، مصوب سال ۱۳۹۵